

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

فرندز نکته _ 493



یه الگوی قشنگ با **could** داریم اینجا.

He could never do something

یعنی اون هیچ وقت نمیتونه فلان کارو انجام بده.
حالا میتونیم اینو کامل تر کنیم.

He could never do something in a million years.

یعنی تا کلییییییییییی سال دیگه هم هیچ وقت نمیتونه فلان کارو انجام بده.
دقت کنین که این **million** هم میتونه به معنی 1 میلیون باشه. مثلاً

He's got two **million** dollars.

اون دو میلیون دلار پول داره.

هم میتونه به معنی تعداد بسیاااااار زیادی آدم یا تعداد بسیار زیادی از یه چیزی باشه که در این کاربرد دو حالت داریم.

یا میتونیم ایشون رو به صورت **a million** بکار ببریم. مثلاً

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

باید توی این فکر باشی که بعدش چیکار کنی. (باید اینو در نظر بگیری)

You should **consider** where you are.

باید در نظر بگیری که کجا هستی.



راستی، بعدش اگه خواستی فعل پیاری، باید ing دار باشه.

You **consider** doing something:

یعنی شما انجام یه کاری رو در نظر میگیری، میسنجی، بهش فکر میکنی!

I **considered** going on my own.

توی فکر این بودم که تنها برم. (تنها رفتن رو در نظر داشتم).

چندتا مثال دیگه ببین.

I **consider** that you are wrong.

توی فکر اینم که اشتباه میکنی.

Have you **considered** getting a new car?

خرید یه ماشین جدید رو در نظر گرفته ای؟

همین جا چندلر میگه

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

"I can't believe I'm even **considering** this."

حتی باورم نمیشه که دارم به این موضوع فکر میکنم. (دارم اینکارو میسنجم، دارم اینکارو در نظر میگیرم)
یعنی آقا!!! حتی باورم نمیشه دارم به اینکه برم به این خانوم پیشنهاد بدم یا نه فکر میکنم، اصلا من
کجا اون کجا!
باز یه الگوی قشنگ هم داریم.

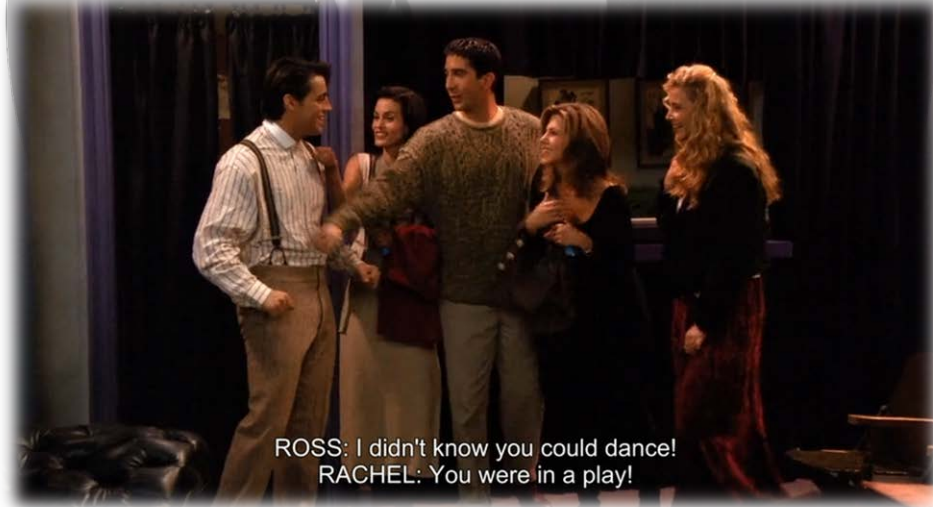
I can't believe I'm even **doing** something

حتی باورم نمیشه که دارم فلان کارو انجام میدم.

I can't believe I'm even **talking** to you.

باورم نمیشه که حتی دارم باهات حرف میزنم.

فرندز نکته 495



یه ساختار خوشگل با گذشته ساده داریم.

I didn't know you could **do** something

نمیدونستم میتونی فلان کارو انجام بدی.

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

مثلاً

I didn't know you could speak French.

نمیدونستم میتونی فرانسوی صحبت کنی.

I didn't know you could cook.

نمیدونستم میتونی غذا پیزی.

I didn't know he could fix a car.

نمیدونستم میتونه ماشین تعمیر کنه.

دقت کنین،

I didn't know + گذشته ساده

پیانگی

I didn't know you ~~can~~ do something

(اینجا هم میگه)

"I didn't know you could dance."

نمیدونستم میتونی برقصی.

فرندز نکته _ 496

یه ریز نکته!

این **that** میتونه گاهی به معنای "اونقدر" باشه. به چان خودم!

توی این حالت قبل صفت یا قید میاد، محاوره ایه و معمولاً در جملات منفی استفاده میشه.

Come on, it wasn't **that** bad.

بیخیال، اونقدر هم بد نبود.

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

They won't be here **that** early.

اونقدر زود هم (اینجا) نخواهند بود.



The food wasn't **that** expensive.

غذا اونقدر گرون نبود.

Don't hurry up. It's not **that** late!

عجله نکن. اونقدر هم دیر نیست.

راستی، به نقش اصلی یا نمایش یا فیلم میگن **lead**.

He will play the **lead** role in 'Hamlet'.

اون توی "هملت" نقش اصلی رو بازی میکنه.

(اینجا هم چوپیی میگه)

"I was the lead."

من نقش اصلی بودم. (بازیگر اصلی من بودم).

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

فرندز نکته 497



اینو بدونین که **better** در نقش قید میتونه به معنی "پیشتر" یا "more" هم باشه.

She knows this town **better** than you do.

این یعنی چی؟ یعنی اون این شهر رو پیشتر از تو بلده.

I think I like the red one **better**.

اگه کسی این نکته رو بلد نباشه میگه "فکر کنم قرمز رو بهتر دوست دارم".

در صورتی که اینجا نقش **better** فرق میکنه و به معنی "پیشتر" هست.

داره میگه "فکر کنم قرمز رو پیشتر دوست دارم".

I liked his last movie **better**.

فیلم آخرشو پیشتر دوست داشتم.

اینجا هم چندانر میگه

"I think I like it **better** that way."

منظورش اینه که اونچوری که اون دختره اسم منو تلفظ میکنه رو پیشتر دوست دارم.

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

راستی، usher به راهنمای سینما میگن که پلیط هارو میگیرن و جای شمارو پهنون نشون میدن. معمولاً به چراغ قوه هم دستشونه!

چندلر میگه

"The usher gave me this to give to you."

راهنما اینو داد به من که بدمش به تو.

فرندز نکته _ 498



An agency left me its card.
Maybe they wanna sign me!

اولش جوپی میگه

"An agency left me its card."

یه آژانس (استعداد یابی) کارتشو برای من گذاشته.

باید با همین الگو تمرین کنی. مثلاً

My father **left** me his car.

پدرم ماشینشو برام گذاشته.

I **left** you the keys here.

کلیدهارو برات (اینجا) گذاشتم.

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83

Where did you **leave** me the key?

کلیدهارو برام کجا گذاشتی؟

در ادامه هم به الگوی دیگه داریم.

Maybe they want to do something

شاید میخوان فلان کارو انجام بدن.

چوویی میگه

"Maybe they wanna sign me."

شاید میخوان با من قرارداد ببندن.

پس حواست باشه **(to) sign someone** یعنی "با کسی قرارداد بستن". دو حالت رایج هم داره.

A company **signs** you

یه شرکت با شما قرارداد میبندد

یا

You **sing** for/with/to a company

شما با یه شرکت قرارداد میبندید.

فردز نکته _ 499

دقت کن این **be based on something** یعنی "بر اساس یه چیزی بودن" یا "بر مبنای

چیزی بودن".

خیلی رایج و کاربردی.

مثال هارو ببین.

F.R.I.E.N.D.S

S1E6_83



The film is **based on** a true story.

فیلم پر اساس یہ داستان واقعیہ.

The story is **based on** fact.

داستان پر اساس حقیقتہ.

The report is **based on** some facts.

گزارش پر اساس یہ سری حقایقہ.



Walk like you're always listening to your favorite song.